



پرورش خلاقیت در سازمان با نگاهی به متون اسلامی

حسین پرکان



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۳۹۱

پرکان، حسین، ۱۳۵۹-
پرورش خلاقیت در سازمان با نگاهی به متون اسلامی / حسین پرکان. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
۱۳۹۱.
دوازده، ۴۴ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۰۴: مدیریت؛ ۷)
ISBN: 978-600-5486-64-3
بها: ۷۱۰۰۰ ریال
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۴۱۷] - ۴۲۵: همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. خلاقیت - جنبه‌های مذهبی - اسلام. ۲. خلاقیت در کسب و کار. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۱ پ ۴ / پ ۶۷ / BP ۲۳۲ / ۶۵۸ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی ۲۶۱۰۴۶۴



پرورش خلاقیت در سازمان با نگاهی به متون اسلامی

نویسنده: حسین پرکان
ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه
چاپ اول: بهار ۱۳۹۱
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم - سبحان
قیمت: ۷۱۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۲۱۱۱۱ - ۰۲۵۱ (انتشارات: ۲۱۱۱۳۰۰) شماره: ۲۸۰۳۰۹۰
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲ - ۰۲۱
Website: www.rihu.ac.ir Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک درسی برای دانشجویان رشته‌های «مدیریت کارآفرینی» و «مدیریت» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات مدیریت اسلامی تهیه شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف گرامی جناب آقای حسین پرکان و همچنین از ناظر محترم جناب آقای دکتر مجید پسران قادر و نیز آقای امیر حسین زاده که در ارزیابی اثر سهیم بوده‌اند، سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: مبانی خلاقیت و پرورش آن در اسلام.....	۵
۱. مقدمه.....	۵
۲. انسان، تنها مخلوق خلاق عالم.....	۷
۳. چپستی خلاقیت انسان و خلاقیت خدا.....	۸
۱-۳. بدیع بودن، از ویژگی‌های خلقت خداوند.....	۱۳
۲-۳. حذف عنصر زمان از خلقت خداوند.....	۱۴
۳-۳. خلاقیت انسان.....	۱۶
۴-۳. خلاقیت انسان و خلاقیت حضرت باری تعالی.....	۱۶
۴. رابطه کرامت و خلاقیت در انسان.....	۱۷
۱-۴. کرامت تکوینی.....	۱۷
۲-۴. کرامت اکتسابی.....	۱۸
۵. خلاقیت در حوزه علوم انسانی.....	۲۰
۶. تفاوت خلاقیت و نوآوری.....	۲۲
۷. تعریف خلاقیت.....	۲۳
۱-۷. تعریف‌های شناختی.....	۲۷
۲-۷. تعریف‌های شخصیتی.....	۲۸
۳-۷. تعریف‌های محیطی.....	۲۹
۴-۷. تعریف‌های تولیدی خلاقیت.....	۲۹
۸. نقش و اهمیت خلاقیت.....	۲۹
۹. فرصت‌های خلاقیت.....	۳۲
۱-۹. وقایع غیر منتظره.....	۳۳
۲-۹. ناسازگاری‌ها.....	۳۳
۳-۹. نیازهای فرآیندی.....	۳۳

۳۳	۴-۹. تغییرات در صنایع و بازارها
۳۴	۵-۹. تغییرات جمعیتی
۳۴	۶-۹. تغییر نگرش
۳۵	۷-۹. دانش جدید
۳۵	۱۰. پیش شرط‌های بروز خلاقیت
۳۵	۱-۱۰. وجود مشکل
۳۷	۲-۱۰. استقلال در اندیشه
۳۷	۳-۱۰. برخورد متفاوت با مشکل
۳۸	۱۱. مؤلفه‌های خلاقیت با نگاهی به متون اسلامی
۳۸	۱-۱۱. مؤلفه‌های ادراکی خلاقیت
۳۹	۱-۱۱. ابزار ادراک
۴۰	۲-۱۱. منابع ادراک
۴۰	الف) طبیعت
۴۱	ب) عقل
۴۱	ج) دل
۴۳	د) تاریخ
۴۴	۳-۱۱. مراحل ادراک
۴۴	سازوکار ادراک عرفانی
۵۶	۴-۱۱. موانع ادراک
۵۷	نخست، موانع شناختی
۵۸	دوم، موانع گرایشی
۶۲	۲-۱۱. مؤلفه‌های انگیزشی
۶۲	۱-۲-۱۱. انگیزه
۶۳	۲-۲-۱۱. عاطفه
۶۷	۳-۱۱. مؤلفه‌های شخصیتی
۶۹	۱-۳-۱۱. اعتماد به نفس
۷۱	۲-۳-۱۱. اراده مستقل
۷۲	۳-۳-۱۱. خطرپذیری
۷۳	۴-۳-۱۱. تجربه‌پذیری
۷۴	۵-۳-۱۱. استقبال از ابهام
۷۵	۶-۳-۱۱. کلنچار رفتن
۷۷	۱۲. خلاقیت از نگاه سازمانی
۷۹	۲-۱۲. مؤلفه‌های سازمانی خلاقیت
۸۰	۱-۲-۱۲. تخصص

۸۳	۲-۲-۱۲. انواع تفکر معطوف به خلاقیت
۸۳	الف) تفکر خلاق
۹۱	ب) تفکر تحلیلی و تفکر ترکیبی
۹۵	ج) تفکر معکوس
۹۶	د) تفکر انتقادی
۱۰۰	ه) تفکر بدبینانه
۱۰۲	و) تفکر اجرایی
۱۰۳	ز) تفکر راهبردی
۱۱۴	۲-۳-۱۲. انگیزش
۱۱۹	۱۳. فرآیند خلاقیت
۱۲۵	۱۴. پرورش خلاقیت از نظر اسلام
۱۲۷	۱۵. کمال خلاقیت
۱۲۹	۱۶. چکیده فصل
۱۳۱	فصل دوم: انسان خلاق از نظر اسلام
۱۳۱	۱. مقدمه
۱۳۴	۲. خصوصیات ذهنی فرد خلاق
۱۳۴	۱-۲. کنجکاوی فراوان
۱۳۶	۲-۲. دادن ایده‌های زیاد یا مناسب درباره یک مسئله
۱۳۷	۳-۲. ابتکار و تخیل قوی
۱۳۸	۴-۲. حساسیت و توجه
۱۴۳	۵-۲. ترجیح پیچیدگی به سادگی
۱۴۳	۶-۲. سلامت روانی و ادراکی
۱۴۳	۷-۲. انعطاف‌پذیری ادراک
۱۴۵	۱-۷-۲. تعصب مذموم و ناپسند
۱۴۵	۲-۷-۲. تعصب ممدوح و پسندیده
۱۴۶	۸-۲. توجه جدی به جزئیات
۱۴۷	۹-۲. اشتیاق و علاقه سرشار
۱۴۸	۱۰-۲. داشتن ظرفیت بالا در تحمل ناملايمات
۱۴۹	۱۱-۲. تمرکز نیروی ذهنی بر والاترین هدف
۱۵۰	۱۲-۲. آینده‌نگری و پیش‌بینی
۱۵۲	۳. خصوصیات عاطفی فرد خلاق
۱۵۲	۱-۳. آرامش و امیدواری
۱۵۳	۱-۱-۳. آرامش اعتقادی

۱۵۴	۲-۱-۳. آرامش روانی
۱۵۴	۳-۱-۳. آرامش طبیعی
۱۵۶	۲-۳. شوخ طبعی
۱۵۸	۳-۳. علاقه به سادگی در نوع لباس و جنبه‌های گوناگون زندگی
۱۶۲	۴-۳. عزت و اعتماد به نفس
۱۶۵	۵-۳. شهامت
۱۶۶	۶-۳. استقلال رأی و داوری
۱۶۷	۷-۳. سعی و کوشش
۱۶۹	۸-۳. علاقه به تجربه و مطالعه
۱۷۲	۴. خصوصیات اجتماعی فرد خلاق
۱۷۲	۱-۴. مسئولیت‌پذیری و توانایی سازمان دادن به فعالیت‌های گوناگون
۱۷۵	۲-۴. داشتن قدرت پافشاری و دنبال کردن ایده خود
۱۷۶	۵. چکیده فصل
۱۷۹	فصل سوم: عوامل درون‌سازمانی مؤثر در پرورش خلاقیت با نگاهی به متون اسلامی
۱۷۹	۱. مقدمه
۱۸۱	۲. عوامل درون‌سازمانی مؤثر بر پرورش خلاقیت
۱۸۱	۱-۲. عوامل فردی مؤثر در پرورش خلاقیت
۱۸۱	۲-۲. برنامه‌ریزی سازمانی
۱۸۹	۱-۲-۲. انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی
۱۹۲	۲-۲-۲. انواع برنامه‌ریزی
۱۹۳	الف) برنامه‌ریزی بلندمدت و راهبردی
۱۹۴	ب) برنامه‌ریزی میان‌مدت
۱۹۴	ج) برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت
۱۹۵	۳-۲-۲. برنامه‌ریزی خلاقیت در سازمان
۱۹۸	۳-۲. ساختار سازمانی
۲۰۶	۴-۲. فرهنگ سازمانی
۲۱۲	۱-۴-۲. ویژگی‌های فرهنگ خلاق در سازمان
۲۱۵	۲-۴-۲. نقش‌های فرهنگ در سازمان
۲۱۷	الف) نظام اعتقادی
۲۱۷	ب) نظام ارزشی
۲۱۸	ج) نمادها
۲۱۸	د) مساجد؛ پایگاه اشاعه فرهنگ سیاسی شیعه
۲۱۸	۳-۴-۲. قدرت فرهنگ

۲۲۳	۴-۴-۲. فرهنگ مشترک و خرده‌فرهنگ‌ها
۲۲۵	الف) قرآن و برخورد انکاری با فرهنگ عصر خویش
۲۳۲	۵-۴-۲. عوامل مؤثر بر فرهنگ سازمان
۲۳۵	۵-۲. نظام انگیزشی سازمانی
۲۳۷	۱-۵-۲. انگیزه‌های ترغیب‌کننده به خلاقیت
۲۳۷	الف) انگیزه‌های بیرونی
۲۳۷	ب) انگیزه‌های درونی
۲۳۷	۶-۲. نظام کنترل، نظارت و ارزیابی سازمانی
۲۳۸	۱-۶-۲. انواع وسایل کنترل
۲۳۸	۲-۶-۲. عوامل مؤثر در استفاده از انواع وسایل کنترل
۲۳۹	۳-۶-۲. تأثیر وسایل کنترل
۲۳۹	۷-۲. رهبری و مدیریت سازمان
۲۵۳	۱-۷-۲. ویژگی‌های مدیران یا رهبران خلاق در سازمان خلاق
۲۵۳	الف) علم و شناخت
۲۵۵	ب) لطف و محبت به مردم
۲۵۸	ج) مهارت پرداختن به امور مهم
۲۵۸	د) توان تسهیم صحیح قدرت و مهار آن
۲۶۱	ه) مدیر خلاق، معلم است
۲۶۲	و) توانایی به دست آوردن و نگه داشتن اعتماد کارکنان
۲۶۷	ز) شناخت صحیح خویشتن و تسلط بر آن
۲۷۰	ح) مهارت در آینده‌نگری
۲۷۰	ط) دسترسی به مدیران در سازمان‌های خلاق
۲۷۴	ی) پرچمدار تحول در سازمان
۲۷۷	۳. چکیده فصل
۲۷۹	فصل چهارم: عوامل برون سازمانی مؤثر در پرورش خلاقیت با نگاهی به متون اسلامی
۲۷۹	۱. مقدمه
۲۸۰	۲. تقسیم‌بندی محیط
۲۸۲	۳. عوامل محیطی تأثیرگذار بر خلاقیت سازمانی
۲۸۳	۱-۳. خانواده
۲۸۶	۱-۱-۳. تشکیل خانواده از نظر اسلام
۲۸۶	الف) حفظ نسل
۲۸۶	ب) جلوگیری از روابط ناسالم جنسی
۲۸۶	ج) ایجاد آرامش روحی، اخلاقی و فکری

۲۸۷ (د) تکامل انسان
۲۸۷ (ه) تربیت فرزند
۲۸۸ ۲-۱-۳. تعادل در خانواده
۲۹۴ ۳-۱-۳. وفاداری و تعهد در خانواده
۲۹۵ ۴-۱-۳. محبت در خانواده
۲۹۷ ۵-۱-۳. خلاقیت والدین
۲۹۸ ۲-۳. عوامل نظام‌واره (سیستم) فرهنگ جامعه
۲۹۹ ۱-۲-۳. فرهنگ
۳۰۰ ۴-۲-۳. فرهنگ خلاق پرور
۳۰۰ ۵-۲-۳. مدیریت فرهنگ خلاق پرور
۳۰۲ ۶-۲-۳. مدیریت تحولات فرهنگ
۳۰۳ ۷-۲-۳. روش‌های تغییر فرهنگ
۳۰۳ ۸-۲-۳. تحلیل میزان خلاق پروری فرهنگ
۳۰۴ الف) مؤلفه‌های فرهنگ خلاق پرور
۳۰۷ ب) سطح‌های فرهنگ
۳۰۷ ج) نظام‌واره فرهنگ خلاق پرور
۳۲۳ ۹-۲-۳. تعاملات فرهنگی
۳۲۴ الف) تعاملات مؤلفه‌های فرهنگ
۳۲۴ ب) ارتباط موجودیت‌های نظام فرهنگ با دیگر نظام‌ها
۳۲۵ ۱۰-۲-۳. ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه خلاق پرور
۳۲۹ ۴. چکیده فصل
۳۳۱ فصل پنجم: موانع خلاقیت
۳۳۱ ۱. مقدمه
۳۳۳ ۲. موانع فردی خلاقیت
۳۳۴ ۱-۲. موانع فیزیولوژیکی
۳۳۴ ۲-۲. نبودن شناخت و کم‌آگاهی
۳۳۵ ۳-۲. نداشتن انعطاف
۳۳۵ ۴-۲. عادت‌ها
۳۳۶ ۵-۲. نبودن اعتماد به نفس
۳۳۸ ۶-۲. استرس
۳۴۱ ۷-۲. کمرویی
۳۴۴ ۸-۲. خستگی، تنبلی و کسالت
۳۴۵ ۹-۲. انسدادهای ادراکی

۳۴۶	۱-۹-۲ ثبات
۳۴۷	۲-۹-۲ تعهد
۳۴۷	۳-۹-۲ تراکم
۳۴۸	۴-۹-۲ بی‌خیالی
۳۴۹	۳. موانع سازمانی خلافت
۳۵۰	۱-۳. ضعف در برنامه‌ریزی سازمانی
۳۵۰	۲-۳. ساختار نامناسب سازمانی
۳۵۱	۳-۳. فرهنگ نامناسب سازمانی
۳۵۳	۴-۳. نظام انگیزشی نامناسب سازمانی
۳۵۵	۵-۳. ناکارآمدی نظام کنترل، نظارت و ارزیابی سازمانی
۳۶۳	۶-۳. سبک نامناسب رهبری و مدیریت سازمان
۳۶۶	۷-۳. پایبندی افراطی به قوانین و مقررات
۳۶۷	۸-۳. نبودن امکانات و برنامه‌های آموزشی مورد نیاز
۳۶۷	۹-۳. تغییرگریزی در سازمان
۳۶۸	۱۰-۳. نداشتن تعهد
۳۶۸	۱۱-۳. نداشتن دانش و مهارت کافی
۳۶۹	۱۲-۳. ناشکیبایی و بی‌حوصلگی
۳۶۹	۱۳-۳. نداشتن تمرکز مأموریتی
۳۶۹	۱۴-۳. قضاوت و ارزیابی فوری
۳۷۰	۱۵-۳. تشویق به هم‌رنگی
۳۷۱	۱۶-۳. عوامل ضد اخلاقی در سازمان و رابطه آن با پرورش خلافت
۳۷۱	۱-۱۶-۳. تبعیض و بی‌عدالتی
۳۷۲	۲-۱۶-۳. تحقیر و اهانت
۳۷۳	۳-۱۶-۳. استهزا و تمسخر
۳۷۵	۴-۱۶-۳. سرزنش کردن
۳۷۶	۵-۱۶-۳. عیب‌جویی
۳۷۶	۶-۱۶-۳. تهمت و بهتان
۳۷۷	۷-۱۶-۳. ناسزاگویی
۳۷۷	۸-۱۶-۳. جدل و مرء
۳۷۹	۹-۱۶-۳. تنبیه
۳۸۰	الف) مراحل کاربرد تنبیه
۳۸۲	ب) قواعد روش صحیح و ناصحیح تنبیه
۳۸۵	۴. موانع خانوادگی خلافت
۳۸۵	۱-۴. سختگیری (اکراه، اجبار، تحمیل و تحکم) و سهل‌گیری

۳۸۹	۲-۴. وابسته‌پروری
۳۹۲	۳-۴. تعامل با خانواده‌های دیگر
۳۹۴	۴-۴. ناآرامی و ناامنی در خانواده
۳۹۶	۵-۴. تأکید بر هوش و حافظه
۳۹۹	۶-۴. ناآشنایی والدین با مفهوم واقعی خلاقیت
۳۹۹	۷-۴. انتقاد زیاد و مستمر
۴۰۰	۸-۴. نامگذاری نامناسب
۴۰۱	۹-۴. تبعیض و بی‌عدالتی در رفتار والدین
۴۰۲	۱۰-۴. تحقیر و اهانت
۴۰۲	۱۱-۴. موانع دیگر
۴۰۲	۵. موانع اجتماعی خلاقیت
۴۰۳	۱-۵. موانع تاریخی
۴۰۳	۲-۵. محیط اجتماعی
۴۰۴	۳-۵. تشویق به هم‌رنگی
۴۰۵	۴-۵. واکنش منفی در برابر رفتار خلاقانه
۴۰۶	۵-۵. ناآشنایی با خلاقیت
۴۰۶	۶-۵. عدم پویایی
۴۰۷	۷-۵. فرهنگ جامعه
۴۰۷	۸-۵. قوانین و مقررات
۴۰۷	۹-۵. عوامل ضد اخلاقی در اجتماع و خلاقیت
۴۰۷	۱-۹-۵. القاب زشت
۴۰۸	۲-۹-۵. تبعیض و بی‌عدالتی
۴۰۸	۳-۹-۵. عدم آزادی و اختیار
۴۰۹	۴-۹-۵. سایر موارد غیر اخلاقی
۴۱۰	۷. چکیده فصل
۴۱۳	نتیجه‌گیری
۴۱۳	۱. انسان کامل در مسیر قرب الی الله
۴۱۴	۲. عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت
۴۱۵	۳. موانع خلاقیت
۴۱۷	منابع و مأخذ
۴۲۷	نمایه‌ها

پیشگفتار

امروزه بیش از هر زمان دیگر آشکارا روشن شده است که رشد و توسعه سازمان‌ها و در پی آن جوامع، در گرو استفاده صحیح از نیروی انسانی است. در واقع در جهان پرشتاب و سرشار از تحول و رقابت امروز، آنچه موجبات تحقق مزیت رقابتی سازمان‌ها را تضمین می‌کند، نیروی انسانی باکیفیت، خلاق و پویاست.

بروز و ظهور خلاقیت‌های نیروی انسانی و بهره‌برداری مناسب، نیازمند پرورش صحیح آن است، اما اینکه چگونه می‌توان خلاقیت را درست پرورش داد، سؤالی است که این کتاب، می‌کوشد با بهره‌گیری از یافته‌های علوم انسانی و متون اسلامی، آن را تبیین کند.

روشی که در این پژوهش اتخاذ شده، روش اکتشافی است. بدین معنا که سعی شده با استفاده از مفهوم خلاقیت و ابعاد مرتبط به آن به سراغ متون اسلامی رفته و براساس آن، دیدگاه اسلامی متناظر بر مفهوم خلاقیت و روش پرورش آن استخراج و تحلیل گردد. در این راستا تلاش شده تا مبانی خلاقیت، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی ارائه شود که با ارائه مبانی از این منظر، تأثیر آن بر دیگر ابعاد خلاقیت روشن خواهد شد.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه پرورش خلاقیت، به‌طور غالب ریشه در مباحث فرهنگی دارد، عوامل دیگری نیز که در مقوله فرهنگ به‌طور عام و در فرهنگ سازمانی به‌طور خاص، در پرورش خلاقیت تأثیرگذار است، مورد توجه قرار گرفته است؛ عواملی مانند زمینه‌های اجتماعی و خانوادگی که بر بروز خلاقیت تأثیرگذار بوده و نقش مهمی را در فرهنگ سازمانی ایفا می‌کند، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از این‌رو، در این کتاب، عوامل و موانع تأثیرگذار خانوادگی و اجتماعی، به‌عنوان زمینه‌ساز پرورش خلاقیت در سازمان نیز توصیف و تحلیل خواهد شد.

در این تحقیق سعی بسیار شده تا به نقطه مطلوبی دست یابیم، ولی با توجه به سابقه نداشتن این تحقیق، البته با رویکرد اسلامی آن، این احتمال وجود دارد که نتوانسته باشیم به نقطه مطلوب دست یابیم. با این حال، امید است این تحقیق، دست کم نقطه شروعی برای تحقیقاتی برتر در این زمینه باشد. از خوانندگان محترم می‌خواهیم که این اثر را با نگاه نخستین تحقیق در زمینه خلاقیت با رویکرد اسلامی بنگرند و با قصد و نیت معاونت بر کاری نیکو خطاها را گوشزد کنند تا این اثر بتواند به نقطه مطلوب، که آرزوی مؤلف است، دست یازد.

فرض بر این است که مخاطب این اثر دانش‌آموخته رشته مدیریت بوده، یا دست کم مطالعاتی در این زمینه دارد و نیز آشنایی مختصری با مباحث اسلامی دارد. این فرض باعث شده که از مباحث فنی، که معمولاً در استنباط‌های اجتهادی برای کشف دیدگاه‌های اسلامی به کار گرفته می‌شود، دوری جسته و صرفاً با نقل آیات قرآن کریم و نقل روایاتی که در کتاب‌های روایی محل رجوع عالمان مسلمان و با اتکا به برداشت‌های برخی عالمان علوم دینی، به نقل دیدگاه‌های اسلامی در زمینه خلاقیت پرداخته شود. مدلول این دست از آیات و روایات و برداشت‌های عالمان، از سنخ تأکیدهای عقلایی است که از تأیید و ارشادهای شرعی نیز برخوردار است.

خواننده محترم، در مطالعه این کتاب باید توجه به این نکته داشته باشد که موضوع پرورش خلاقیت از رویکرد مدیریتی و سازمانی به آن پرداخته شده است. اگرچه در برخی موارد هم، به رویکردهای دیگری نیز مانند روان‌شناسی، یا علوم تربیتی پرداخته شده است، اما صرفاً به این دلیل بوده است که معمولاً این دسته مفاهیم، از موارد مطالعات میان‌رشته‌ای است که برای درک بهتر آن باید به پشتوانه‌های نظری آن در رشته‌های دیگر توجه داشت.

نکته دیگری که خواننده محترم، در خصوص محتوای کتاب باید در نظر داشته باشد، ارتباط مفهومی و جامع مطالب است؛ از این رو پیشنهاد می‌شود به منظور بهره‌برداری بهتر از کتاب، فصل‌های کتاب، به ترتیب مطالعه شود. البته این پیشنهاد، به منظور ادراک جامع‌تر مباحث و پیدا کردن راحت‌تر سؤالات احتمالی است.

مؤلف بر خود لازم می‌داند از همه اندیشمندان، دانشمندان و دوستانی که یاریگر وی بوده‌اند و نظریات ارزنده آنان در تدوین این مجموعه مؤثر بوده است و نیز از تلاش‌های همکاران اداره انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قدردانی و تشکر نماید.

همچنین از تلاش‌های ناظر محترم این تحقیق، فاضل ارجمند جناب آقای دکتر پسران قادر و نیز ناقد محترم کتاب، جناب آقای حسین زاده که به غنای هرچه بیشتر این اثر انجامید، سپاسگزاری می‌نمایم.

در خاتمه مراتب سپاس خود را از جناب آقای دکتر گائینی — مدیر محترم گروه مدیریت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه — و نیز دکتر علی آفاپروز و دکتر عباس شفیعی، که راهنما و مشوق نگارنده بوده‌اند، اعلام می‌دارم.

بی‌شک دریافت دیدگاه‌ها و نظرات خوانندگان فرزانه و اندیشمند، برای بهبود و توسعه متن حاضر، لازم است. از این رو مؤلف، مشتاقانه در انتظار نظرات و دیدگاه‌های خوانندگان محترم است.

حسین پرکان

آبان‌ماه ۱۳۸۹

فصل اول

مبانی خلاقیت و پرورش آن در اسلام

۱. مقدمه

دین مبین اسلام، در برهه‌ای از تاریخ در بین عقب‌افتاده‌ترین جوامع بشری به لحاظ فکری، رفتاری و سبک زندگی گسترش یافت و به‌طور باورنکردنی، همان جوامع عقب‌افتاده را در اندک زمانی، به بافرهنگ‌ترین و پیشرفته‌ترین جوامع بشری آن زمان تبدیل کرد. چنین تحولی، جز با خلاقیت و نوآوری و پیمودن راه‌های میان‌بُر امکان‌پذیر نبود. شناخت یا کشف الگوها و روش‌هایی که در آن زمان به کار رفته و درنهایت به پرورش چنین خلاقیت‌هایی انجامیده، نیاز به مطالعه عمیق و بنیادی دارد که هدف اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

روش حاکم بر این تحقیق بر مبنای نقل و تحلیل عقلی است. در این روش، به منظور دسترسی و کشف گزاره‌ها و نظریه‌ها از «تحلیل و تفسیر متن» و «تحلیل و تفسیر سند» استفاده شده است. در روش «تفسیر متن»، به سخن و کلام معصوم، مراجعه شده، گزاره‌ها و توصیه‌های وی در قلمرو موضوع، تحقیق‌شده مورد توجه، بررسی و تفسیر قرار گرفته و براساس آن، اصول و مبانی و روش‌های معینی کشف شده است. در روش دیگر، مقصود از «تحلیل متن»، در برابر تفسیر، تحلیل محتوای متن و بررسی نقش و عملکرد گوینده متن در مقام مربوط به «موضوع تحقیق» و اثرگذاری بر مخاطبان است؛ و ما از منظر بیرونی، چگونگی اثرگذاری معصوم در این مقام را ارزیابی می‌کنیم و درواقع به محتوای گفتار نمی‌نگریم، بلکه به چگونگی کلام و سخن گفتن می‌پردازیم. این‌گونه نگرش را «تحلیل متن» می‌گویند.

با روش «تحلیل متن» به مفهوم بالا، دایره بحث بسیار گسترش می‌یابد، چرا که بیشتر مطالب، در مقام پرورش و هدایت و سازندگی صادر شده است و دقیقاً از این‌رو، می‌توان

چگونگی و اصول و قواعد حاکم بر گفتار معصوم را به تحلیل و بررسی نشست. کاربست این روش در متون دینی، می‌تواند راهگشای باب‌های جدید، در ساحت‌های گوناگون باشد.

رویکرد بسیاری از مسائل و تئوری‌ها و مفاهیم مهم در زمینه خلاقیت و پرورش آن و نیز هر علم انسانی دیگری را می‌توان بر متون اسلامی عرضه کرد و معارف نوینی به دست آورد. اعتبار نهایی و حجیت آرای هر یک از این پیشوایان و اسوه‌ها به عنوان نظریه اسلام است و آن هم در گرو با هم دیدن و جمع همه گزاره‌های مرتبط با موضوع مشخص از همه ائمه (ع) خواهد بود. در اینجا باید به این نکته نیز توجه داشت که در مواجهه با هر متنی، مفاهیم و نظریه‌های اکتشاف شده در حوزه‌های گوناگون خلاقیت و پرورش خلاقیت، بر متن عرضه شده و کوشش می‌شود موضع متن دینی در آن زمینه، استخراج گردد. این رویکرد، موجب شکوفایی بیشتر متن است. برای مثال، تئوری معینی در خلاقیت و پرورش آن، هنگامی که بر متون دینی عرضه شود، این نگرش مقایسه‌ای، عرصه‌های نوینی را در برابر معرفت دینی قرار می‌دهد.

بررسی موضوع خلاقیت با نگاهی کاربردی‌تر نیز حاوی نکاتی مهم است. تداوم حیات سازمان‌ها و جوامع مختلف به خلاقیت و نوآوری بستگی دارد. بدون تغییرات ناشی از آفرینندگی، سازمان‌ها و جوامع نمی‌توانند خود را با تغییرات محیطی همساز کنند و دوام آورند. از این رو تغییر، همیشه پرترفدار نیست، بلکه تغییر مستمر ممکن است تأثیرهای ناخوشایند و غیر قابل انتظاری داشته باشد. از سوی دیگر پیگیری سرسختانه افکار غیر معمول، می‌تواند باعث دلسردی دیگران و مانع از عملکرد آرام آنها شود. افراد خلاق ممکن است با نادیده گرفتن خط‌مشی‌ها، قوانین و مقررات، نقش مخرب داشته باشند. تعیین حدود و ثغوری از این قبیل، از جمله موارد مهم است. ناگفته نماند، عدم کنترل و مدیریت نکردن صحیح خلاقیت‌های اجتماعی و برخی از ویژگی‌های مخرب افراد خلاق، می‌تواند باعث بسیاری از دشواری‌های جوامع شود.

نکته دیگر اینکه، با شناخت صحیح الگوی پرورش خلاقیت در دین مبین اسلام، می‌توان دست به تدوین اصول، سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای ارتقای نشاط کار، ابتکار و نوآوری در سطح جامعه و سازمان‌ها زد و این مهم در گام نخست نیازمند شناخت و تبیین این مفهوم است. موضوعاتی از قبیل نشاط کاری، ابتکار و نوآوری و...، موضوعاتی فرهنگی‌اند و فرهنگ جوامع دینی را به‌طور عمده، دین تشکیل می‌دهد.

۲. انسان، تنها مخلوق خلاق عالم

هر موجودی در عالم، بر دیگر موجودات اثرگذار و از آنان اثرپذیر است. یعنی همه موجودات تغییرپذیر و تغییردهنده‌اند. موجودات عالم، بدون اینکه آموزشی در کار باشد، مسیر تکاملی خویش را طی می‌کنند، گویی از قبل برنامه‌ریزی شده‌اند و هر آنچه باید در مورد رشد خود بدانند، می‌دانند. در میان موجودات عالم، اما انسان، قدرت و ظرفیت این را دارد که از طریق پردازش اطلاعات خود، به نتایج جدیدتری دست یابد. این قابلیت، از امتیازهای ویژه آدمی بر دیگر موجودات است. در واقع تنها آفریده «خلاق» خدای متعال، انسان است. انسان می‌تواند معلومات و کشفیات نسل‌های پیش از خود را دریافت و به آن چیزهایی اضافه کند. علاوه بر این هر آنچه را از گذشتگان برگرفته و هر آنچه را که بدان افزوده، می‌تواند به آیندگان منتقل کند.

در میان موجوداتی که تحت تدبیر ذات اقدس الهی قرار دارند، تنها انسان است که دارنده مرتبه نازل جمیع صفات الهی است. چنان که خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا؛^۱ انسان تعلیم‌گیرنده جمیع اسماء و صفات الهی است». یعنی با شناخت انسان، می‌توان به جمیع اسرار آفرینش پی برد.

البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که تنها با تکیه بر یافته‌های روان‌شناسی و روش‌های محدود آن در رابطه با شناخت انسان، نمی‌توان تمام ابعاد وجود انسان را شناخت. بنابراین، لازم است که سطح تحلیل‌ها و مطالعات، از سطح بدن و فعل و انفعالات شیمیایی و... بالاتر برود و ورودی به عالم مجردات نیز داشته باشد. برخلاف تصور صاحب‌نظران مادی، «نفس انسان»، یک پدیده فیزیکی و شیمیایی برخاسته از فعل و انفعالات بدن نیست. بلکه یک «لطیفه ربانی» است که پس از تکامل جنین در رحم مادر به او دمیده می‌شود و از آن پس، این روح الهی است که بر تمامی اندام و تشکیلات جنینی فرمانروایی می‌کند. در همین راستا، آیت‌الله حسن‌زاده آملی^۲ در مورد روح و رابطه آن با بدن بیان می‌دارد:

۱. گوهر روح، غیر از بدن است. بدین معنا که روح، اصل وجود انسان است و بدن به منزله مرکب و ابزار اوست. لذا اعضا و جوارح انسان، بدون روح نمی‌توانند وجود داشته باشند؛

۱. بقره، ۳۱.

۲. به نقل از: حبیبیان، مروری بر روان‌آدمی از دیدگاه اسلام، ص ۴۵-۵۹.

۲. بدن مرتبه نازله نفس است، یعنی این روح است که دارای اصالت است؛
 ۳. روح در وجود انسان، همزمان چندین کار می‌کند، بدون اینکه این اشتغالات، وی را از کار دیگری بازدارد؛
 ۴. انسان در مقایسه با دیگر موجودات، آثار شگفت‌انگیزی دارد که نشانگر هوش و زیرکی بیشتر اوست؛ یعنی انسان دارای روحی است که برتر و شگفت‌انگیزتر از دیگر موجودات است؛
 ۵. روح انسان در عین گستردگی، دارای قوایی است که با این قوا، اعضای مختلف بدن را به کار می‌گیرد. این قوا در عین اینکه هر کدام کار جداگانه‌ای انجام می‌دهند، این روح است که در مرتبه آنها قرار گرفته و این کارها را انجام می‌دهد؛
 ۶. روح نسبت به جسم، علت است، نه معلول. با از میان رفتن علت، معلول هم نابود می‌شود؛
 ۷. اعضای حواس ظاهری مثل چشم و گوش و پوست و بدن و لامسه و... همگی زمینه‌ساز فعالیت و حکومت نفس است. در واقع این قوه بینایی نیست که حکم کند فلان چیز کوه یا درخت یا... است، بلکه این خود نفس است که حکم می‌کند فلان چیز، چیست؟
- روشن است که قابلیت و ظرفیت دریافت و انتقال معلومات و اکتشافات در بین انسان‌ها یکسان نیست. حال این سؤال مطرح است که چرا چنین قابلیت و ظرفیتی در همه انسان‌ها به‌طور یکسان بروز و ظهور ندارد؟ اگرچه هر انسانی با تولدش، بالقوه، توانایی ایجاد ترکیبات اطلاعاتی جدیدتر را داراست، اما از میان انسان‌ها، کسانی مجال چنین فعلی را می‌یابند که سرسختانه بخواهند و تلاش کنند.
- در امر تأثیرگذاری بر محیط و تغییر آن نیز، بشر برخلاف دیگر موجودات، امکان ایجاد کردن شیوه‌های نوین را دارد.

۳. چیستی خلاقیت انسان و خلاقیت خدا

جهان پهناوری که انسان در آن به سر می‌برد، تنوع گسترده و شگفت‌انگیزی از مخلوقات دارد. حال این سؤال مطرح است که این تنوع عظیم و این همه جلال و زیبایی و طراوت و پویایی در جهان هستی، ریشه در چه دارد؟

واژه «خلق» در قرآن، به معنی ساختن چیزی با استفاده از چیزهای دیگر به کار رفته است. برای نمونه، خداوند در قرآن، می‌فرماید: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ»^۱ او همان کسی است که هرچه را آفرید نیکو آفرید و آغاز آفرینش انسان را از گل قرار داد.^۲

در عین حال که در قرآن، خالق اصلی خدا معرفی شده، خلق کردن به غیر خدا هم نسبت داده شده است. برای مثال می‌توان به یادآوری خدای متعال به حضرت عیسی (ع) اشاره کرد که می‌فرماید: «وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي»^۳ و به یاد آر زمانی را که به اجازه من از گل مجسمه‌ای از پرنده خلق کردی، یا آیاتی که خدا را بهترین خالق‌ها^۴ معرفی می‌کند. خداوند در قرآن برای خود دو نوع آفرینش را برمی‌شمارد؛ یکی به صورت «خلق»؛ یعنی آفرینش اشیای مادی از مواد و اشیای دیگر که این طبعاً به دست و کار دیگران به انجام می‌رسید و دیگری که بسیار مهم‌تر معرفی می‌شود، «ابداع» است یعنی آفرینش «نه از چیز دیگر». بنابراین میان آفرینش از «هیچ» و آفرینش از «ماده» فرق است؛ آفرینش از هیچ (عدم)، «ابداع» و آفرینش از ماده، «خلق» نام دارد.

در زبان انگلیسی نیز از کلمه "invent" به معنی «ابداع کردن» و کلمه "create" به معنی «خلق کردن» آمده است. فرهنگ لغت آکسفورد کلمه "invent" را این‌گونه معنی کرده است: «ایجاد یا طراحی چیزی که قبلاً وجود نداشته است».^۵ همچنین در معنی کلمه "create" چنین آمده است: «به وجود آوردن چیزی به وسیله چیزی دیگر».^۶

قرآن، آفرینش از راه ابداع را با کلمه امر و گاه با تعبیر «كُنْ» بیان می‌کند که در اصطلاح به آن «كُنْ وجودی» می‌گویند. نتیجه امر به صورت «كُنْ»، وجود خارجی و تحقق عینی همان چیزی است که خداوند اراده فرموده است.

خداوند در دو جای قرآن از واژه «خلاق»^۷ در وصف خویش استفاده کرده است: یکی در سوره حجر که می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ»؛ به یقین، پروردگار تو، آفریننده آگاه

۱. سجده، ۷.

۲. آیاتی که خلقت انسان را بیان می‌کند عبارت‌اند از: سجده، ۷ و ۸؛ حج، ۵؛ مؤمن، ۶۷؛ فاطر، ۱۱؛ فرقان، ۵۱؛ اعراف، ۱۱؛ مؤمنون، ۱۴، که مطالب بیان‌شده اکثراً شبیه به هم می‌باشد.

۳. مائده، ۱۱۰. ۴. «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، ۱۴؛ صافات، ۱۲۵).

5. create or design (something that has not existed before).

6. [with object] bring (something) into existence.

7. creative

است». ^۱ دیگری در سوره یس: «أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ»؛ ^۲ آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، نمی‌تواند همانند آنان (انسان‌های خاک‌شده) را بیافریند؟! آری (می‌تواند)، و او آفریدگار داناست!».

این آیات، روی دو صفت بزرگ خداوند، یعنی خلاقیت ^۳ و علم بی‌پایان او تکیه می‌کند که در حقیقت دلیلی است بر گفتار پیشین که اگر تردید شما از ناحیه قدرت او بر خلقت است، او خلاق است و اگر جمع‌وجور کردن این ذرات نیاز به علم و دانش دارد او از هر نظر عالم و آگاه است.

انسان نیز به عنوان کامل‌ترین و عالی‌ترین گزینه خلیفه الهی و تنها متفکر خلاق این جهان در بین مخلوقات محسوب می‌شود که بی‌تردید می‌تواند به مدد قوه خلاقیت و نوآوری به ساختن فرهنگ و تمدن، علم و فناوری و صنعت پردازد.

انسان از دیدگاه قرآن تنها جانشین خدا در زمین است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ ^۴ [به خاطر بیاور] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خونریزی کند؟ در حالی که ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید».

در حالی که مقام خلافت، چنان که از نام آن پیداست، کامل و تمام نمی‌شود مگر به اینکه خلیفه، نمایشگر مستخلف باشد و تمامی شؤون وجودی و آثار و احکام و تدابیر او را حکایت کند. البته شؤون و آثار و احکام و تدابیری را حکایت کند که مستخلف برای تأمین آنها خلیفه و جانشین برای خود معین کرده است.

از سؤال فرشتگان «أَتَجْعَلُ...» و جواب خداوند تبارک و تعالی: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» ^۵ معلوم می‌گردد که مقام خلیفه چنان عالی است که فرشتگان از درک مقام رفیع او عاجز ماندند شیطان نیز با آن همه عبادت نتوانست منزلت او را درک کند. ^۶

۱. حجر، ۸۶.

۲. یس، ۸۱.

3. creativity

۴. بقره، ۳۰.

۵. بقره، ۳۰.

۶. جوادی آملی، صورت و سیرت انسان، ص ۳۳ و ۳۴.

خلافت الهی درجات متعددی دارد، زیرا خداوند ظهورهای متفاوتی دارد و خلیفه کامل خلیفه‌ای است که کار خدای سبحان را در همه شئون جهان امکان، انجام دهد و چون خدای سبحان علیم است، انسان کامل نیز باید مظهر تام آن علیم بالذات باشد و چون قادر است که در جهان تکوین هرچه بخواهد انجام دهد، انسان کامل هم مظهر این قدرت و خلیفه این قدیر است و هرچه در جهان تکوین بخواهد به اذن الله انجام می‌دهد.

چنان که ما در محدوده بدن خود هر کاری بخواهیم با اراده انجام می‌دهیم، انسان کامل نیز در جهان تکوین هر کاری را بخواهد، به اذن خدا انجام می‌دهد. پس انسان کامل، هم عالم به علم الهی است و هم مقتدر به قدرت الهی و هم متخلّق به اخلاق الهی.

از این روی، کمترین نشانه وجود خلافت الهی در انسان به آن است که وی نیز همانند خدای متعال آفرینش داشته باشد. البته در اینجا منظور، آفرینش از روی عقل است، نه از روی غریزه. زیرا دیگر موجودات عالم، کم و بیش توانایی آفرینش از روی غریزه را دارند و نمونه آن لانه‌سازی آنهاست.

چنان که گفته شد، ابداع یعنی به وجود آوردن چیزی یگانه بی‌آنکه آن شیء، از پیش موجود بوده باشد. خلق به معنای پدید آوردن چیزی از راه ترکیب و دستکاری چیزهایی دیگر است. برای مثال در تعبیر قرآنی پدید آمدن آسمان‌ها و زمین از مصادیق ابداع (بقره، ۱۱۷ و انعام، ۱۰۱) و پدید آوردن انسان‌ها از مصادیق خلق (علق، ۴) برشمرده شده است. در صنعت امروز نیز ماشین حساب، موبایل و هواپیما از نمونه‌هایی هستند که به ترتیب با تغییر یا ترکیب چرتکه، بی‌سیم و تلفن و فیزیک پرندگان خلق شده‌اند. بنابراین در تعریف خلاقیت بر دو اصل بدیع (اختراعی بودن) و یگانگی (تازگی و نو بودن) تأکید شده است.

در ارتباط با این واژه، لفظ بدیع برای آفرینش بی‌سابقه مطلق به کار رفته است که مختص خداست. خداوند در قرآن کریم، خود را «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۱ معرفی می‌کند. در کتاب برگزیده تفسیر نمونه،^۲ ذیل آیه ۱۰۱ سوره انعام، «بدیع»، به معنی به وجودآورنده چیزی بدون سابقه، مطرح شده است. یعنی، خداوند آسمان و زمین را بدون هیچ ماده و یا طرح و نقشه قبلی ایجاد کرده است.

۱. «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره، ۱۱۷) و «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (انعام، ۱۰۱).

۲. مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ص ۶۳۲.

نویسنده انوار درخشان،^۱ ذیل همین آیه، «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» را صفت فعل پروردگار دانسته و تصریح می‌کند که آنچه از کرات آسمانی و زمین و موجودات در آنهاست آفریده پروردگار و وابسته به اوست و هر موجودی در جهان محدود است یعنی به فرض و تقدیری هستی خود را می‌یابد، و در غیر آن حد، فاقد هستی است.

وی معتقد است مفاد صفت بدیع نیز تصریح به آن است که برای هر موجودی در هر لحظه حد و مرزی است و در غیر این لحظه مرز آن موجود یافت نمی‌شود. با این دیدگاه از دیگر موجودات امتیاز ذاتی می‌یابد و از پیوستگی که در تجهیزات داخلی هر یک از موجودات پیداست هر موجودی در هر لحظه جهان تازه و بی‌سابقه‌ای است و نظام خاصی هر لحظه در آن فرمانرواست و همواره محکوم به تغییر و تحول و هر لحظه به شکل جدید و طرح‌ریزی بی‌سابقه‌ای درمی‌آیند و هر آن لباس هستی دیگری می‌پوشند. پس مجموع جهان خلقت از موجودات بی‌شمار صورت گرفته و هر لحظه محکوم به تغییر و تحول‌اند و با وحدت و اتصال کاملی که در سرتاسر آنها فرمانرواست نظام واحد بزرگ و مستمر زیاده بر تصویری تا ابد از آن تشکیل می‌یابد، پروردگار با علم و قدرت نامحدود خود آن را به وجود آورده و هر لحظه طرح‌ریزی بی‌سابقه‌ای نموده و به سوی هدفی مشخص و ابدی سوق می‌دهد و از هر سو تحت تغییر و تدبیر اویند.

به سخن دیگر مفاد صفت «بدیع» آن است که قوام وجود و هستی موجودات جهان بر تغییر و تحول نهاده شده و هر لحظه نقشه تازه‌ای طرح‌ریزی می‌شود، که هر یک از موجودات واقعیت خود را پس از هر لحظه از دست می‌دهند و واقعیت دیگری به خود می‌گیرند و لباس دیگری مانند آن می‌پوشند. از این نظر، فطرت حکم می‌کند که جهان پهناور و همه اجزای آن، عین واقعیت نیستند، بلکه به واقعیت ثابتی تکیه داده و در پرتو هستی ثابت اویند و چنانچه پروردگار لحظه‌ای رابطه ایجاد را از آنها قطع کند، نابود خواهند شد. پس نظام متزلزل و متغیر صحنه جهان از موجودات بی‌شمار و بی‌حساب و بی‌خبر از خود و از مسیر و هدف خود تشکیل شده است و هر لحظه محکوم به تحول و تبدل است.

قرشی بنابی، مؤلف قاموس قرآن و ابن منظور، مؤلف لسان العرب، ابداع را آن می‌دانند که بدون سابقه و بدون پیروی از دیگران انجام شود. باید دانست هر ایجاد ابداع نیست.

۱. حسینی همدانی، انوار درخشان، ص ۷۳ و ۷۴.

همچنین راغب اصفهانی کاربرد واژه «بدیع» در مورد خدا را «إيجاد الشيء بغیر آله»^۱ دانسته است؛ یعنی ایجاد چیزی بدون استفاده از وسیله یا ابزار و بدون سابقه و بدون پیروی از دیگران. در انوار درخشان^۲ چنین آمده است که: «کافی از سدیر صیرفی روایت نموده که عمران بن اعین سؤال نمود از امام صادق(ع) از تفسیر کریمه «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». آن حضرت فرمود: پروردگار موجودات را به علم و احاطه خود آفرید بی آنکه پیش از آن مسبوق به مثل و مانند باشند و آسمان‌ها و زمین را آفرید هنگامی که اثری از آنها نبود آیا نشنیده‌ای که آیه «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» به این حقیقت اشاره نموده است».

تنها خداست که می‌تواند بدون سابقه چیزی را بیافریند و انسان‌ها هرچند ممکن است در محدوده ذهنی خود چیز نو و بی سابقه‌ای را بسازند، اما ممکن است در جای دیگر یا در زمان گذشته همان موجود ذهنی به وسیله انسان دیگری ساخته شده باشد. حال اگر آن ساخته، هیچ سابقه‌ای در میان انسان‌ها نداشته باشد در علم خدا سابقه داشته و این ساخته جدید بدون مقدمه نخواهد بود.

فرهنگ‌های لغت نیز واژه «خلق» را به معنی ساختن اشیا از اشیا دیگر معنی کرده‌اند^۳ و «بدع» را به معنی ساختن بی سابقه معرفی کرده‌اند.^۴

اما همچنان در باب ابداع و خلاقیت خداوند، چیستی و چگونگی آن، همچنین چیستی و چگونگی خلاقیت انسان و تفاوت آن با خلاقیت خداوند لازم است به‌طور مشروح توضیحاتی داد.

۳-۱. بدیع بودن، از ویژگی‌های خلقت خداوند

هر خلقتی که در عالم از سوی خداوند صورت می‌گیرد، به همراه ابداع است لذا خلقت و ابداع از یکدیگر جدا نیستند. از آن جمله می‌توان به خلقت آسمان‌ها و زمین اشاره کرد که خداوند متعال در قرآن کریم (بقره، ۱۱۷؛ انعام، ۱۰۱) نیز بر آن تأکید کرده است.

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۱۰.

۲. حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱، ص ۳۰۹.

۳. الخلق أصله: التقدير المستقیم،... و يستعمل فی إيجاد الشيء من الشيء (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۹۶)؛ فالخالق هو المقدر لما يوجد (طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۵۵).

۴. بدع: الإبداع: إنشاء صنعة بلا احتذاء و اقتداء؛ ابداع آن است که بدون سابقه و بدون پیروی از دیگران باشد (راغب اصفهانی، همان، ص ۱۱۰ و فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۵۴). بدع: البدع: إحداث شیء لم یکن له من قبل خلق و لا ذکر و لا معرفة، ایجاد چیزی که قبلاً نه خلق شده، نه یادی از او شده و نه شناخته شده است (قرشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۷۱).

۳-۲. حذف عنصر زمان از خلقت خداوند

چنان که خداوند متعال در قرآن کریم، بیان فرموده است، نحوه خلقت خداوند، به طریق «کُن فیکون» است: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ».^۱ البته این موضوع از ویژگی‌های عالم مجردات است. عنصر زمان در دنیایی که بشر به‌طور موقت در آن ساکن است موجود است و همین ویژگی، شاید یکی از مهم‌ترین دلایل پستی این عالم نسبت به دیگر عوالم باشد. چنان که در سوره عصر ملاحظه می‌شود: «وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ»^۲؛ قسم به عصر، که واقعاً انسان در معرض زیان است، مگر آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده و به حق و صبر، یکدیگر را توصیه کرده‌اند. پس از اینکه خداوند به «عصر» (که خود از جنس زمان است)، سوگند یاد می‌کند، انسان را در خسران می‌داند و این خسران، حاصل نمی‌شود مگر در اثر وجود زمان. در پایان سوره نیز، استثنائاتی بر آیه قبل متصور شده است که خود حاوی نکات مهمی است. بنا بر تقدم و تأخر این دو آیه، مشخص می‌شود که انسان در خسران است، مگر اینکه عمل صالح انجام دهد و...؛ یعنی اصل بر این است که انسان در خسران است، مگر افعال خاصی را انجام دهد و این افعال انجام نمی‌شود مگر در طول زمان. بنابراین در زندگی موقت بشر در این عالم، پدیده‌ای پست به نام زمان حاکم شده است که از طرفی تهدیدی بسیار جدی برای اوست و از طرفی فرصتی است تا با استفاده از آن، طریق کمال را طی کند. اما در عالم مجردات، زمان حاکم نیست؛ لذا بین «خواستن» و «شدن» فاصله‌ای نیست. حال اگر علم مطلق خداوند، ضمیمه چنین خاصیتی بشود، وجه تمایز اساسی خلاقیت خداوند و خلاقیت بشر تبیین خواهد شد.

در انوار درخشان،^۳ نقل شده است که در کتاب کافی از امام صادق(ع) روایت است که صفوان بن یحیی درباره حقیقت اراده باری تعالی و اراده مردمان پرسید و امام، فرمود: اراده مردم چنان است که پس از تصوّر و تصدیق و جزم در قلب حادث شده و سپس سبب پیدایش فعل در خارج می‌شود، ولی اراده باری تعالی عبارت است از آفرینش و ایجاد خواسته بدون وابستگی به چیزی؛ زیرا ساحت او از تصوّر و فکر و دیگر نواقص امکانی منزّه است و صفات نفسانی‌ای

۱. بقره، ۱۱۷.

۲. عصر، ۱-۳.

۳. حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱، ص ۳۰۹.

که مبادی افعال اختیاری است از صفات مخلوق است؛ پس اراده پروردگار همان ایجاد فعل و آفرینش خواسته اوست و بس. یعنی اگر اراده فرماید خواسته او به ظهور می‌رسد، بدون نیاز به لفظ و تصوّر و فکر و همچنان برای فعل او چگونگی نیست؛ زیرا آفریدگار منزّه از نقص و چگونگی امکانی است.

وقتی گفته می‌شود که علم خداوند مطلق است و او بر همه چیز آگاهی دارد، یعنی خداوند نیازی به تفکر برای تبیین مجهولات ندارد؛ چرا که مجهولی برای وی وجود ندارد. از این رو در جایی نمی‌توان یافت که اوصافی چون «فکور» یا «متفکر» در مورد خداوند به کار رفته باشد. پس خداوند همزمان در دایره بی‌انتهای علم مطلق خویش، خلق می‌کند و این خلاقیت، همراه با ابداع است و هیچ سابقه‌ای در تمام هستی ندارد.

اما انسان دارای ویژگی‌هایی است که خلاقیت او را دچار تفاوت‌های اساسی با خلاقیت خداوند می‌سازد. از جمله ویژگی‌های انسان این است که خود، مخلوق است. بدین معنی که علم و آگاهی او ذیل علم خالق اوست و نسبت به علم خالق، محدود است. از طرفی مجهولات فراوانی برای وی وجود دارد. از ویژگی‌های دیگر انسان این است که وی در عالم ماده زندگی می‌کند و محدودیت‌هایی چون زمان بر او حاکم است. این دو ویژگی باعث می‌شود اولاً بین ذهنیت و فعل انسان، فاصله زمانی وجود داشته باشد؛ یعنی افعال انسان نمی‌تواند به شکل «کن فیکون» باشد؛ ثانیاً هر چیزی که خلق می‌شود، در حیطه علم خالق هستی است. یعنی ابداعی جدای از علم و خواسته خداوند حاصل نشده است.

البته مفاهیمی چون «اختیار»، «خلاقیت» و «زمان» لازم و ملزوم یکدیگرند. برای مثال، اگر «زمان» از این عالم حذف شود و فعل انسان نیز به شکل «کن فیکون» باشد، آنگاه تمام نظام این عالم به هم می‌خورد. هر آنچه بشر، با علم ناقص خود در ذهن خلق می‌کرد، به فعل تبدیل می‌شد. از این رو بین ذهن و فعل، زمان قرار داده شده است و مفهومی به نام «اختیار» نیز در دست انسان است تا بتواند از بین ذهنیات، آنچه را که می‌پسندد، انتخاب کند.

نکته دیگری که در باب خلاقیت انسان قابل توجه است اینکه، ممکن است انسان خلاقیتی از خود بروز دهد که انسان دیگری نیز در مکانی دیگر یا در برهه‌ای از تاریخ آن را خلق کرده باشد و این دو از یکدیگر بی‌خبر باشند. در حالی که در مورد خداوند چنین چیزی نمی‌توان تصور کرد و این با علم بی‌نهایت او منافات دارد.

۳-۳. خلاقیت انسان

حاصل مباحث پیشین در باب خلاقیت انسان، چنین است:

۱. خلاقیت انسان محدود به ذهنیات است و مرحله قبل از فعلیت یافتن آن است؛
۲. خلاقیت انسان در حیطه دانش و آگاهی خویش است؛
۳. خلاقیت انسان در طول تاریخ و در میان دیگر ابنای بشر تکرارپذیر است؛
۴. خلاقیت انسان ذیل علم خداوند حاصل می‌شود.

۴-۳. خلاقیت انسان و خلاقیت حضرت باری تعالی

با توجه به مطالبی که در قسمت‌های پیشین ارائه شد، به‌طور کلی چند تفاوت اساسی بین خلاقیت باری تعالی و خلاقیت بشر قابل ذکر است:

اول، خلاقیت خدای متعال بدون سابقه قبلی است، در حالی که خلاقیت بشر ممکن است مسبوق به سابقه باشد و یا همزمان برای دو نفر، که از همدیگر بی‌خبرند، رخ دهد. دوم، ابداع خدای متعال بدون ابزار و واسطه است، در حالی که ابداع بشر به واسطه آگاهی و علمی است که در طول عمر خویش کسب کرده و ابزار جسمی و روحی آن هر دو مخلوق خداوند است.

سوم، خلاقیت خدای متعال تنها از آن اوست و شریکی ندارد، در حالی که خلاقیت بشری منحصر در وی نیست. بخش ناچیزی از علم پروردگار است که بشر، سابق بر آن درک نکرده بوده است. در ضمن اینکه ممکن است برای نوع بشر، مسبوق به سابقه هم بوده باشد و در اثر بُعد مکانی یا زمانی غافل از احوال یکدیگر بوده باشند.

چهارم، وجود تقدم و تأخر زمانی در رابطه با خلاقیت بشر صادق است، ولی در ابداع و ایجاد خداوندی، عنصر زمان راه ندارد. که این از نواقص بشر است.

پنجم، خلقت خداوند همواره به‌طور مستمر ادامه دارد، لذا ابداع او نیز همواره چنین است و استمرار دارد، اما در مورد انسان، چنین نیست و به‌طور همیشگی و مستمر، ذهنیات و افعال او، بدیع نیست، بلکه تنها برخی از آن این‌گونه است. حتی در بین ابنای بشر، مقدار یا تعداد آن نیز متفاوت است.

۴. رابطه کرامت و خلاقیت در انسان

آیات قرآن از دو نوع کرامت درباره انسان سخن رانده است: کرامت تکوینی و کرامت اکتسابی (اختیار) که به تبیین آن می‌پردازیم:

۴-۱. کرامت تکوینی

قرآن کریم برای حضرت آدم (ع) به منزله نمونه یک انسان کامل، منزلت‌ها و برتری‌هایی را قرار داده است این امتیازات اختصاص به آدم نخستین ندارد، بلکه هر یک از انسان‌ها و فرزندان آدم که بتوانند به مقام انسان کامل برسند، شایسته این امتیاز و مقام برتر در نزد پروردگار می‌شوند.

درحقیقت، مراد از کرامت تکوینی یا ذاتی آن است که خداوند انسان را به گونه‌ای خلق کرده که در مقایسه با دیگر موجودات دارای مزایای بیشتری است. این نوع کرامت ناشی از توجه ویژه خداوند به انسان است و تمام انسان‌ها چه بخواهد و چه نخواهد از مقام کرامت تکوینی برخوردارند.

البته در موارد متعددی، قرآن، انسان را شایسته کرامت و فضیلتی برتر از این مقدار نیز دانسته و رسیدن به آن را در سایه مبارزه پیوسته با نفس اماره و شیطان و سوسه‌گر می‌شمرد. چنان که برخی آیات قرآن بر کرامت تکوینی انسان دلالت دارند؛ از جمله آیات چهارم از سوره تین، آیه چهاردهم سوره مؤمنون و آیه هفتاد سوره اسراء.

کرامت تکوینی به آن دسته از شایستگی‌های ذاتی و استعدادهای انسانی اطلاق می‌گردد که می‌تواند در معرض هدایت و تربیت تعالیم آسمانی پیامبران قرار گیرد و باعث رشد و صعود انسان به مراتب کمال و مقامات والای انسانی شود و انسان را تا سرحد فرشته شدن و بالاتر از آن تعالی بخشد، بنابراین می‌توان گفت کرامت تکوینی همان برخورداری از شرافت و جود و نشأت‌گرفته از روح مقدس خدایی است.

اما در مورد اینکه کرامت انسانی از چه ناشی می‌شود و مظاهر کرامت تکوینی چه مواردی است، گفته‌اند مظاهر کرامت انسان در قوه، عقل، آزادی اراده و دیگر ویژگی‌های متمایز او از موجودات دیگر است.

درواقع بزرگ‌ترین ویژگی انسان عقل و اختیار اوست و انسان با کمک قوه عقل و اختیار خود می‌تواند به درجات بالاتر نائل آید.

۲-۴. کرامت اکتسابی

در قرآن بعد از ذکر آیاتی که دلالت بر کرامت تکوینی انسان دارد، به آیاتی درباره کرامت اکتسابی یا اختیاری انسان نیز اشاره می‌شود. منظور از کرامت اختیاری، دستیابی انسان به کمالات و ویژگی‌هایی است که با اختیار و اراده انسان حاصل می‌شود. برخلاف کرامت تکوینی نهفته در وجود انسان، در اینجا تلاش آدمی به منزله پلی برای رسیدن به درجات بالاتر ایفای نقش می‌کند. درحقیقت انسان‌ها استعداد رسیدن به کمالات را دارند، ولی برخی با اختیار و اراده خود به آن دست می‌یابند و برخی دیگر راه مقابل را طی می‌کنند. برای مثال، آیه: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ»^۱ به‌راستی که گرامی‌ترین شما در پیشگاه خداوند، باتقواترین شماست را می‌توان دال بر کرامت اکتسابی دانست.

از آنجا که تنها معیار کرامت در نزد خداوند، تقواست و راه رسیدن به او نیز همان است؛ در نتیجه باید گفت کرامت انسان دارای حد و مرز نیست؛ چرا که تقوا که پایه و اساس کرامت است، محدود نیست.

همچنین با توجه به اینکه خداوند تقوا را به خود نسبت داده و براساس آیات قرآن، هر چه در نزد خداست، زوال‌ناپذیر است؛ بنابراین با توجه به ثبات خدا، کرامت انسان نیز پایدار و ثابت است، ولی برای رسیدن به کرامت اکتسابی باید تلاش کرد و تقوا پیشه نمود.

برخی تفاوت‌های کرامت تکوینی و کرامت اکتسابی:

الف) کرامت تکوینی، کمال انسان به حساب می‌آید، ولی ارزش اخلاقی ندارد، اما کرامت اکتسابی جزء کمالات انسان بوده و ارزش اخلاقی محسوب می‌شود؛

ب) کرامت تکوینی، مقدمه‌ای برای رسیدن به کرامت اکتسابی است؛ بنابراین ارزش کرامت اکتسابی بیشتر است و... که می‌توان با مقایسه آیات کرامت تکوینی و اکتسابی، به کرامت اکتسابی دست یافت.

علمی که انسان فرامی‌گیرد تا به کرامت برسد، باید در راه شکوفا کردن همان سرمایه اولی باشد. سرمایه اولی انسان‌ها، فطرت خداخواهی است، از نظر معنا، مشهود علم کرامت است و از لحاظ مسائل اخلاقی، الهام به تقوا و آگاهی به فجور است که این الهام به تقوا، الهام به مدار کرامت است و الهام فجور، الهام به مدار دنائت. هر کس در

۱. حجرات، ۱۳.